



آسیب شناسی حضور اتباع بیگانه در استان کرمان و تأثیرات آن بر امنیت

محمد حسین اخلاص پور^۱

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۵/۰۲/۲۸

تاریخ دریافت: ۱۳۹۵/۰۱/۱۶

چکیده

حضور واقامت و عبور و مرور اتباع بیگانه در هر کشوری خواسته یا ناخواسته با امنیت و نظام سیاسی آن ارتباط دارد و پژوهش حاضر به آسیب شناسی حضور اتباع بیگانه در استان کرمان و تأثیرات آن بر حوزه‌ی امنیت می‌پردازد. هدف اصلی پژوهشگر در این پژوهش تبیین تأثیر اتباع خارجی بر بروز ناامنی در استان کرمان همچنین تأثیر مهاجرت غیر قانونی اتباع خارجی بر بروز ناامنی در استان کرمان و تبیین تأثیر بزه‌کاری اتباع خارجی بر بروز ناامنی در استان کرمان است.

این مطالعه از نظر روش، توصیفی و از نظر شیوه نگارش و پرداختن به مسئله تحقیق توصیفی - تحلیلی است که محقق با استفاده از اسناد و مدارک موجود (منابع دست اول و دست دوم) اقدام به گردآوری اطلاعات و تشریح و تبیین مفاهیم، اصول، راهبردها و ساختار در عرصه آسیب شناسی حضور اتباع بیگانه در استان کرمان و تأثیرات آن بر حوزه‌ی امنیت است.

نتایج حاصل از تحقیق نشان می‌دهد قوانین موجود و تشکیلات اداری قدرت رویارویی با مهاجرانی که در پی مداراک هویتی ایرانی بودند را ندارد، شرایط خاص پس از انقلاب، دوره‌ای از بی نظمی و تعدد مراکز قدرت را ایجاد کرد.

۱۳۵



واژگان کلیدی: آسیب شناسی، اتباع بیگانه، استان کرمان، امنیت.



مقدمہ

موقعیت ژئوپلیتیکی ایران و واقع شدن در منطقه بحران خیز خاورمیانه از یک سو و سیاست درہای باز نسبت به پذیرش مهاجرین خارجی از سوی دیگر ایران را به یکی از کشورہای بہ شدت مهاجرپذیر تبدیل کرد بہ شکلی کہ در حال حاضر تعداد زیادی از اتباع بیگانہ را در خود جای دادہ است. اکثریت مهاجرین خارجی ساکن در استان کرمان، اقلیت ملی افغانستانی و پاکستانی می باشند کہ بیشتر در مناطق جنوبی استان حضور دارند ہم زمانی مهاجرت با دورہ بی نظمی و تعدد مراکز قدرت پس از پیروزی انقلاب و از ہم گسیختگی نظام اداری زمینہ مساعدی برای سوء استفادہ اتباع بیگانہ از اسناد هویتی را بوجود آورد تا آنان بدون اخذ تابعیت و با تشکیل پروندہ فاقد سند سجلی و همچنین جعل و غصب سند سجلی ایرانیان با دریافت شناسنامہ در چرخہای از فعالیت ہا با فریب و نیرنگ بدون طی مراحل قانونی کسب تابعیت، خود را ایرانی قلمداد نمایند، سوء استفادہ از، اسناد سجلی در تحقق و ارتکاب جرائم بیگانگان می تواند، نقش مؤثری ایفا و حتی باعث فزونی گسترہ قلمرو وقوع جرم، استمرار و عدم کشف آن تا سالیان متمادی شود. تعدادی از اتباع بیگانہ علیرغم روشن شدن هویت واقعی و مردود شدن تابعیت ایرانی آنان در شوراہای تأمین شہرستان با استفادہ از احکام دادگاہ ہا و دیوان عدالت اداری توانستہ اند وضع موجود خود را تحت عنوان فردی ایرانی حفظ کنند. علاوہ بر این آنان محدودیت ہای تابعیت اکتسابی را در تصدی مشاغل حساس را نیز ندارند. عدم ساماندهی اتباع بیگانہ، کہ در واقع کمتر کشوری در دنیا نسبت بہ حضور اتباع بیگانہ در کشورش بہ این شکل عمل نمودہ، عوارض سوء جبران ناپذیری را در پی دارد و موجب گردید بیگانگان در استان کرمان حل و جذب شوند. اگر در استان کرمان موضوع «حضور اتباع بیگانہ» یک معضل امنیتی و اجتماعی محسوب شود، اطلاعات مربوط بہ گروہ ہا یا اقشار اتباع بیگانہ، انگیزہ مهاجرت آنان و دادہ های مربوط بہ افراد مشکوک التابعہ دارای نفوذ «اطلاعات استراتژیک» برای استان بہ شمار می رود و بدون شک حضور اتباع بیگانہ در استان خصوصاً در مناطق جنوبی برای ما یک «گرفتاری امنیتی، اجتماعی» است؛ لذا هدف این تحقیق آسیب شناسی حضور اتباع بیگانہ در استان کرمان و تأثیرات آن بر حوزہ ی امنیت است.

بیان مسئلہ

حضور اتباع بیگانہ دارای پیامدہا و بازتاب های مختلف طبیعی، زیست محیطی،





اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی، سیاسی و امنیتی می‌باشد. یکی از مباحث مهم در بحث حضور اتباع بیگانه، ارتباط آن با ابعاد مختلف امنیت است، به عبارت دقیق‌تر، اتباع بیگانه با مهاجرت‌های غیر قانونی دارای بازتاب‌ها و پیامدهای مختلف امنیتی‌اند، هم چنین در استان کرمان حضور اتباع بیگانه به دو صورت است: گروه کمتر به صورت قانونی و گروه بیشتر به صورت غیر قانونی و غیر مجاز است. در گذشته، اکثر مطالعات بر روی نقش و تأثیر حضور اتباع بیگانه بر روی سرمایه فیزیکی و مسائلی چون باز توزیع درآمد، باز توزیع نیروی کار و سرمایه انسانی و مهارت‌هایی که ذخیره ملی محسوب می‌گشت صورت می‌گرفت اما از دهه ۱۳۷۰ به بعد، با وسیع‌تر شدن مقیاس حضور اتباع بیگانه، استان کرمان به شدت درگیر این مساله گشته است و این مساله کماکان ادامه دارد و دیگر دیدگاه‌های اقتصادی به تنهایی نمی‌توانند برای درک و تحلیل آن بسنده کنند و از این رو حضور اتباع بیگانه را می‌توان از نظر سیاسی، امنیتی، فرهنگی مورد بررسی قرار داد که در این پژوهش از دیدگاه امنیتی به این مساله نگرینسته می‌شود.

حضور اتباع بیگانه در استان کرمان سبب گسترش احساسات بیگانه ستیزی گشته است و از اینرو استعداد ناسازگاری و بزه‌کاری اتباع بیگانه در سطح استان افزایش پیدا نموده است و به طور معمول حضور اتباع بیگانه به دلیل پیامدهای جانبی آن، یعنی تغییر ترکیب جمعیتی، عدم وجود مدارک شناسایی، احساس بیگانگی فرهنگی در زمره تهدید به شمار می‌آید. در حالی که یکی از کارکردهای ویژه هر نظام در طول تاریخ در تامین امنیت تعریف شده است. همچنین از لحاظ علوم امنیتی در مبحث حضور اتباع بیگانه می‌توان به مشکلات زیر در سطح استان کرمان اشاره کرد: ارتکاب بزه‌کاری، جرائم امنیتی (شرارت، سرقت اعم از مسلحانه و غیر مسلحانه، توزیع مواد مخدر و...) قاچاق انسان گروگانگیری، جعل و غضب اسناد هویتی ایرانی، ازدواج با زنان سطح استان و تولد فرزندان بی هویت، فعالیت‌های اطلاعاتی، ورود و خروج عناصر طالبان و القاعده، گسترش وهابیت و سلفیت و تکفیری، تغییر بافت جمعیتی و شیوع حاشیه نشینی، استفاده از امکانات و خدمات دولتی. حضور این گروه نیز موجب گرفتاری‌های بیشتر و آسیب‌هایی را فراهم نموده است. از این رو، سوالی با عنوان « مهاجرت غیر قانونی اتباع خارجی چه تأثیری بر بروز ناامنی در استان کرمان دارد؟ بزه‌کاری اتباع خارجی چه تأثیری بر بروز ناامنی در استان کرمان دارد؟ آیا قوانین حقوقی و جزایی پیرامون اتباع خارجی عامل بازدارندگی برای کاهش تهدیدات اتباع بیگانه و حفظ امنیت استان کرمان می‌باشد؟ علت ورود بی رویه‌ی اتباع خارجی و تأثیر گذاری آن‌ها در حوزه‌ی امنیت در





استان کرمان چه می‌تواند باشد؟ ازدواج اتباع بیگانه با دختران ایرانی چه تأثیری بر بروز ناامنی در استان کرمان دارد؟» مطرح گردیده و در ادامه به معرفی اجمالی و چگونگی پیدایش این جایگاه می‌پردازیم.

اهداف تحقیق

الف) هدف اصلی:

تبیین تأثیر اتباع خارجی بر بروز ناامنی در استان کرمان.

ب) هدف فرعی:

تبیین تأثیر مهاجرت غیر قانونی اتباع خارجی بر بروز ناامنی در استان کرمان.

فرضیه تحقیق

با توجه به سوال می‌توان فرضیه زیر را مطرح کرد.

الف) فرضیه اصلی:

به نظر می‌رسد اتباع خارجی تأثیر منفی بر امنیت استان کرمان دارند و باعث افزایش تهدیدات گشته‌اند.

ب) فرضیات فرعی:

۱. به نظر می‌رسد مهاجرت غیر قانونی اتباع خارجی تأثیر منفی بر امنیت استان کرمان دارد و باعث افزایش قاچاق انسان گشته است.

۲. به نظر می‌رسد بزه‌کاری اتباع خارجی تأثیر منفی بر امنیت استان کرمان دارد و باعث افزایش قاچاق مواد مخدر، قتل و تجاوز به عنف گشته است.

۳. به نظر می‌رسد ازدواج اتباع بیگانه با دختران ایرانی سبب ایجاد نسلی با تابعیت خارجی و بی‌شناسنامه در استان گردیده است که به دلیل عدم برخورداری از حقوق شهروندی، دست به ایجاد ناامنی در سطح استان می‌زنند.

پیشینه و مفاهیم تحقیق

آسیب شناسی^۱: «آسیب» به معنای «آفت، بیماری، اختلال و خطر» آمده است. در فرهنگ فارسی چنین معنا شده است: «آسیب: زخم، عیب و نقص، درد، رنج، گزند، آزار، زیان، خسارت. (معین، ۱۳۸۹، ج ۱: ۵۸). آسیب شناسی: شناخت درد و رنج و خسارت»





(عمید، ۱۳۹۰، ج ۱: ۴۴). در اصطلاح هم به آن دسته از علل و اختلالاتی اطلاق می‌شود که وجودشان تداوم و حرکت پدیده‌ای را تهدید می‌کند و آن را از رسیدن به اهداف و آرمانش باز می‌دارد و یا از کارایی لازم می‌اندازد. برخی در تعریف آسیب گفته‌اند: «منظور از آسیب، عاملی است که سبب اختلال و ناهنجاری‌ها و آفت در پدیده‌ها می‌شود و گاهی به خود اختلالات، آسیب گفته می‌شود» (حاجی، ۱۳۸۰، ج ۴، ۴۳۳). بنابراین، آنچه ما از واژه‌ی «آسیب شناسی» مدنظر داریم، اصطلاحی است که ترجمه‌ی واژه‌ی پاتولوژی است.

اتباع بیگانه^۱: از نظر لغوی در فرهنگ‌ها و لغت نامه‌های گوناگون فارسی به شرح زیر معانی متعددی برای کلمه بیگانه وجود دارد. بیگانه یعنی غیر آشنا، مقابل آشنا، ناشناس، مقابل خودی، اجنبی، غریبه، خارجی. در مجموع با مراجعه به سایر فرهنگ‌ها به کلمات دیگری چون: ناشناس و نامعلوم و بدون ارتباط بر می‌خوریم. اما بیشتر مولفان فرهنگ‌ها مذکور در تعیین کلمات، غریب، اجنبی، ناآشنا اتفاق نظر دارند. مبحث دوم: مفهوم حقوقی: در تعریف بیگانه مساله تابعیت به عنوان عامل اساسی و تعیین کننده نقش قابل توجهی دارد و برای تعیین وضعیت حقوقی افراد بایستی ابتدا تابعیت آنان مشخص شود. و تابعیت در اغت به معنای پیرو و فرمانبردار بودن است و تابع (جمع: تبعه، اتباع) کسی است که عضو جمعیت اصلی یک دولت باشد و به کسی که عضو این جمعیت نباشد، اگرچه مقیم سرزمین آن دولت باشد، بیگانه یا غیرخودی می‌گویند.

امنیت^۲: کلمه امنیت ریشه در واژه «امن» از زبان عربی دارد و به معنی در امان و آسایش بودن، مصونیت از خطر و ترس و آرامش خاطر می‌باشد. (دهخدا: ۱۲۳) امنیت حالت فراغت نسبی از تهدید یا حمله و یا آمادگی برای رویارویی با هر تهدید و حمله را گویند امنیت از ضروری‌ترین نیازهای یک جامعه است. کلمه امنیت ریشه در واژه «امن» از زبان عربی دارد و به معنی در امان و آسایش بودن، مصونیت از خطر و ترس و آرامش خاطر می‌باشد. واژه «امن» یعنی بی‌گزند و بی‌آسیب و دارای آرامش. امنیت هم یعنی بی‌گزندگی و بی‌آسیبی یا حالتی که در آن گزند و خطر و آسیب راه ندارد و آرامش در آن برقرار است. در تعریف امنیت می‌توان گفت: «در لغت حالت فراغت از هر گونه تهدید یا حمله و یا آمادگی برای رویارویی با هر تهدید و حمله را گویند. در اصطلاح سیاسی و حقوقی به صورت امنیت فردی، امنیت اجتماعی، امنیت ملی و بین‌المللی به کار





برده می‌شود. امنیت به معنی حراست از یک فرد، جامعه، ملت و یک کشور در برابر تهدیدهای خارجی است و نقطه مقابل «تهدید» به شمار می‌رود، هر کشوری که بتواند تهدیدهای بالقوه و بالفعل را از میان بردارد، به آسایش و امنیت رسیده است (صدری، ۱۳۷۸: ۵).

امنیت اجتماعی^۱: حالت فراغت همگانی از تهدیدی است که کردار غیرقانونی دولت یا دستگاه‌های فردی یا گروهی در تمامی یا بخشی از جامعه پدید آورد. در نظام حقوقی جدید، فرض بر این است که قانون، با تعریف و حدگذاری آزادی‌ها و حقوق فرد و کیفر دادن کسانی که از آن حدود پا فراتر گذشته‌اند، امنیت فردی و اجتماعی را پاسبانی می‌کند. امنیت اجتماعی عبارت است اطمینان خاطر افراد جامعه و نیز گروه‌های اجتماعی نسبت به موجودیت و انسجام خود در قبال حوادث و آسیب‌های مختلف اجتماعی، اقتصادی، سیاسی، فرهنگی و حتی طبیعی مانند زلزله یا حوادث غیر مترفیه. (آشوری، ۱۳۸۸: ۳۳)

بررسی پیامدهای حضور اتباع بیگانه از نظر علوم مختلف انسانی

بر اثر مهاجرت آوارگان و پناهندگان (اتباع بیگانه) به کشور، بوجود آمدن تراکم جمعیت بدیهی است و این امر مسبب اوضاع نامناسب اقتصادی و تضاد فرهنگی اتباع بیگانه و خانواده‌های آنان می‌گردد و استعداد ناسازگاری و بزه‌کاری آنان را افزایش می‌دهد. اما این‌که واقعاً حضور اتباع بیگانه پدیده منفی و مردودی است به شدت توسط اقتصاددانان و جامعه‌شناسان رد شده است. ولی حضور اتباع بیگانه در ایران پدیده‌ای منفی تلقی می‌شود زیرا ساختار اقتصاد ایران قدرت هضم چنین پدیده‌ای را ندارد.

بزرگ‌ترین مانع برای توزیع برابر منابع طبیعی جهان رشد جمعیت است ظاهراً همه با تأسف ولی به صورتی قابل درک آن را دریافته‌اند که وقتی عده مردمی که یک منبع طبیعی باید میان آن‌ها توزیع شود افزایش یابد برابری توزیع رو به کاهش می‌رود اگر میانگین مقداری که در دسترس هر فرد قرار می‌گیرد کافی برای حفظ حیات او نباشد، تسلیم برابر خودکشی اجتماعی خواهند بود و این که چه رابطه‌ای حضور اتباع بیگانه و بزه‌کاری آنان وجود دارد ابتدا باید پیامدهای حضور اتباع بیگانه را از لحاظ علوم مختلف انسانی بررسی کرده تا در فصول آینده با روش تحقیقی عملی در این رابطه بفهمیم که نگاه‌های محلی و منطقه‌ای به زندگی پیرامونی و حوادث و پیامدهای اجتماعی تحت





شعاع اندیشه‌ها و جریان‌های جهانی قرار گیرند و از آنجا که مرزهای ملی دیگر نمی‌توانند، برای تحرک مکانی محدودیت تلقی شود، از این رو شکل بین‌المللی مهاجرت نیز رواج یافته است و پدیده مهاجرت مردم افغانستان به کشورهای همسایه به ویژه ایران نیز یکی از اشکال مهاجرت بین‌المللی است که در دهه اخیر روند صعودی داشته است (جمشیدی، ۱۳۹۰: ۷۲).

پیامدهای حضور اتباع بیگانه از نظر علوم اجتماعی و جامعه‌شناسی

جایگاه حضور اتباع بیگانه در ایران در بین ۲۲۴ سرزمین در دنیا در طی سال ۲۰۰۶ میلادی برابر با ۱۶۷ است که گویای حضور اتباع بیگانه نسبتاً زیاد در این کشور است. از نظر کلی پناهندگان در ایران نیز با ۱/۹۳۱/۳۰۰ نفر در بین ۱۱۰ کشور پناهنده پذیر رتبه نخست را احراز کرده است. کارشناسان و اندیشمندان مسائل اجتماعی بر این باورند که اگر برای مقابله با حضور اتباع بیگانه غیرقانونی در کشور چاره‌ای اندیشیده نشود، تبعات متعدد چنین حضوری صدمات جبران‌ناپذیری بر کشور و ساختار فرهنگی و اجتماعی آن وارد خواهد نمود که شاید در کوتاه مدت ملموس نباشد ولی پیامدهای تلخ و ناگوار آن‌ها در بلند مدت همه را متوجه خود خواهد نمود. من جمله این‌که میزان فعالیت مهاجرین بیشتر از فعالیت افراد بومی است شاید کمتر افغانی در کشور بیکار باشد در حالی که عمده نیروی کار بومی بیکار می‌باشند مهاجرین میزان تقاضای مصرف را بیشتر می‌کنند و از لحاظ جامعه‌شناسی عمده مسائلی که با آمدن اتباع بیگانه به کشور، که شاید سال‌های سال به طول انجامد به فراموشی می‌گراید دین، زبان و تاریخ ملت و مردم پناهنده و آواره به کشور دیگر از این جمله‌اند. زبان وسیله اندیشیدن، جهان‌بینی، عمل اجتماعی، هویت اجتماعی و روابط خرد و کلان با یکدیگر و جهان پیرامون و زمان‌های گذشته، حال و آینده است از آنجا که زبان از عناصر فرهنگ مهم هر جامعه به حساب می‌آید، تغییر و جابجایی از کشوری به کشوری دیگر مسلماً موجب از بین رفتن یا استحاله این عنصر هویت فرهنگی و ملی فرد می‌شود. هرچند روابط و ارتباط فرهنگی اتباع بیگانه با کشورش نابود می‌شود. از بعد دینی اگر چه کشورهای هم‌جوار چون (ایران، عراق و افغانستان) دارای تعالیم مذهبی مشترک می‌باشند با این وجود دین در ایران جایگاهی رفیع در حل مسائل اجتماعی، سیاسی، فرهنگی و اقتصادی دارد. که در هیچ یک از کشورهای همسایه مذهبی نمی‌توان سراغ گرفت و دوری افراد از کشور موجب تغییر ارزش‌های دینی، گروه‌های مرجع و نهادهای مشترک دینی می‌شود و همین عامل موجب تضعیف و کاهش قدرت دینی شخص و بیگانگی درونی و سرگستگی و



حیرانی می‌شود. هرچند تاریخ یک کشور نیز جدای از افراد یک سرزمین و مهاجرت اجباری به سرزمین دیگر انباشت آگاهی فرد را از گذشته تاریخی کشور و احساس مثبت نسبت به آن را از هم می‌گسلد و به نوعی فرد را دچار فراموشی تاریخی می‌نماید (نجفی توانا، ۲۲۴: ۱۳۹۱).

پیامدهای حضور اتباع بیگانه از نظر علوم اقتصادی

چون اکثر افراد پناهنده خارجی متخصص به دلیل نبود امکانات لازم در ایران نمی‌ماند و اکثراً اتباع بیگانه و پناهنده‌ای در ایران باقی می‌مانند که کم سواد یا فقدان تخصص، دارای سطح فرهنگ پایین و بی سواد می‌باشند. اتباع بیگانه به دلیل کسب درآمد با غوطه ور شدن به مشاغل کاذب، مخرب اغلب به حاشیه‌های شهرها روی می‌آورند و برای سکونت به حاشیه نشینی، زاغه نشینی یا آلونک نشینی روی می‌آورند و دولت‌ها نیز از جمله دولت ما که اکثراً برای مسکن آن‌ها برنامه‌ای ندارند. اتباع بیگانه برای تأمین نیازهای مادی و معیشتی خود ناچار به قبول هر جور کسب درآمدی برای خود هستند و در این راه نیز متحمل خسارات‌های سنگین می‌شوند بدون این‌که متوجه عواقب راه‌های پول درآوردن خود باشند. توزیع و فروش کالاهای به اصطلاح فرهنگی از نوع مبتذل و غیر اخلاقی، توزیع مواد مخدر که در رابطه با اتباع بیگانه احتمال ورود و حمل آن نیز می‌رود، وارد شدن به باندهای قاچاق و تجاوز به نوامیس مردم، دست داشتن در سرقت‌های مسلحانه و.... در واقع اهم پیامدهایی را که حضور اتباع بیگانه در کشور به جای گذارد می‌توان به شرح ذیل خلاصه کرد:

- ۱- از آن جا که افزایش جمعیت امکانات زیستی را می‌طلبد این فاصله باعث افزایش تقاضا برای امکانات کشوری شده و قیمت‌ها به صورت سرسام آور بالا می‌رود.
- ۲- از طرفی، رشد جمعیت کشور سبب عدم تأمین خدمات و کالاهای همگانی برای همه شهروندان شده و نهایتاً بخش‌های حاشیه از امکانات محروم پس مهاجرت محرومیت را در حاشیه شهرهای مهاجر پذیر افزایش می‌دهد.
- ۳- حضور اتباع بیگانه و افزایش عرضه کار و به دنبال آن کاهش دستمزدهای شهری و از طرفی بالا بودن هزینه‌های زندگی در شهرها فشار روحی شدیدی بر اتباع بیگانه وارد کرده است.

۴- ترویج الگوی مصرف در بین اتباع بیگانه و سرازیر شدن کالاهای وارداتی روز به روز سرمایه‌ها از بخش‌های تولیدی صنعتی به بخش‌های تجاری هدایت خواهد شد و



همچنین صنایع درون شهرها از بین خواهد رفت وابستگی کشور را به کالاهای وارداتی افزایش می‌دهد (قره باغیان، ۱۳۷۵: ۳۷).

پیامدهای حضور اتباع بیگانه از نظر علوم سیاسی و امنیتی

به طور معمول حضور اتباع بیگانه به دلیل پیامدهای جانبی آن یعنی تغییر ترکیب جمعیتی، پیدایش نیازها و خواسته‌های جدید و گاه مشکلات بهداشتی، اجتماعی و فرهنگی و امنیتی و سیاسی در زمره تهدید به شمار می‌آید در حالی که یکی از کارکردهای ویژه هر نظام سیاسی در طلوع تاریخ در تأمین امنیت تعریف شده است. اگر امنیت را در معنای عینی فقدان تهدید در برابر ارزش‌های کسب شده بدانیم و نیز در معنای ذهنی، فقدان ترس و وحشت از جمله علیه ارزش‌ها فرض کنیم. دو وجهی بودن مفهوم امنیت در تعاریف لغت‌نامه از جمله لغت‌نامه آکسفورد که از یک سو به معنای ایمنی در مقابل حمله، استواری و نفوذ ناپذیری، قابلیت اعتماد، اطمینان از عدم شکست و یا تسلیم و از سوی دیگر به معنی عدم اضطراب از تشویق و خطرات اشاره دارد (صدری، ۱۳۷۸: ۴۵).

حضور اتباع بیگانه و ازدواج آن‌ها با بانوان ایرانی دارای تبعات و پیامدهای منفی و خطرناکی است که در برخی موارد می‌تواند تهدید کننده سلامت اجتماعی و امنیت ملی بوده و دارای عوارض فرهنگی، اجتماعی و سیاسی امنیتی باشد. به دلیل فقر مالی، مهاجران پس از ازدواج در مناطق مهاجرپذیر مستقر می‌شوند و همین عامل رشد روزافزون بیکاری، حاشیه نشینی و انواع ناهنجاری‌های عاطفی و روانی را بوجود می‌آورد. از جمله عوامل دیگر پیامدهای حضور اتباع بیگانه از لحاظ علوم امنیتی می‌توان به موارد ذیل اشاره کرد:

الف) حاشیه نشینی: موردی که در خصوص مهاجرت قابل توجه است مسئله حاشیه نشین‌ها است که نتیجه مهاجرت است. حاشیه نشین اغلب کسانی‌اند که به شهرهای بزرگ برای کار یا کسب درآمد بیشتر مهاجرت کرده که در اولین گام با مشکلی به نام مسکن مواجه‌اند. ناچار در حاشیه شهرها که از امکانات کامل شهری برخوردار نیست سکنی می‌گزینند البته آوارگان و پناهندگان نیز همین وضعیت را دارند و در شهر کرمان نیز از این قاعده مستثنی نیست و به بیشتر آنان در حومه شهر اسکان داده‌اند. مثلاً در محله سلسبیل، مشتاقیه و شهرک سعیدی سکنی گزیده‌اند. محدوده حاشیه شهرها ویژگی‌های مشترکی دارند که اغلب افراد جمعیت جوانی را تشکیل داده تراکم جمعیت بسیار زیاد و شلوغ است. بهداشت در سطح پایین قرار دارد. درآمدهای مشروع پایین است. مشاغل



ساکنین پنهان (کاذب)، آزاد و کارگری است. مسئله مشترکی که در حاشیه شهرها دیده می‌شود وجود خلافاکاری و اعمال مجرمانه و خلاف قانون بسیاری است که از جمله: پیامدهای شکل‌گیری حاشیه نشینی به این شرح است:

۱- شکل‌گیری حاشیه نشینی استقرار در مناطق فقرنشین به عنوان عاملی برای توسعه و فرهنگ فقر و نهایتاً تکدی‌گری است.

۲- افزایش روحیه تضاد و مبارزه منفی به ویژه در میان نسل‌های دوم به بعد می‌باشد.

۳- عدم تجانس بین حاشیه نشینان و شهرنشینان به عنوان عمده‌ترین عامل زایش بزه‌کاری‌های اجتماعی و جرایم قرار می‌گیرد.

۴- بحران هویت فردی و جمعی که به توضیح آن خواهیم پرداخت.

ب) افزایش یا کاهش جمعیت، تغییر ترکیب جمعیت، تسریع رشد جمعیت شهری، تخفیف رشد جمعیت روستایی، ایجاد تنوع فرهنگی و انتقال تجربیات و نوع‌آوری‌ها و پیامدهای اقتصادی و سیاسی آن موجبات روند سریع در بزه‌کاری را پیش از پیش فراهم می‌نماید.

ج) پیدایش مشاغل کاذب، دلالی و توسعه مصرف‌گرایی که در شاخه عوامل اقتصادی مستعد برای بزه‌کاری بشمار می‌روند.

د) اشاعه فردگرایی، انزوای طلبی بی‌اعتمادی و گم‌گشتگی فرهنگی.

ه) گسیختگی و عدم تعادل فرهنگی.

و) سست شدن ابعاد و انسجام خانواده.

د) عدم احترام به قانون و توسعه مفاسد اجتماعی. که در موضوعات اخیر اسباب فراهم شدن بزه‌کاری اتباع بیگانه به وفور قابل ملاحظه است (رحیمی، ۱۳۷۷: ۷۰).

پیامدهای حضور اتباع بیگانه از نظر علم حقوق

مقدمه حرکت بین‌المللی سریع و فزاینده مهاجرت در طول ۵۰ سال گذشته به صورت عملی موجبات ناهمگونی جمعیت در داخل مرزهای دولت - ملت شده است حتی کشورهایی که تا چند سال پیش به همگونی جمعیت خود می‌بالیدند اکنون به طور فزاینده‌ای مجبورند با کنار آمدن واقعیت موجود یعنی تحمل اقلیت‌های قومی باشند. ایران نیز نمی‌تواند جدا از تحولات جهانی و پیرامون خود زیست کند و البته تا حدودی این تأثیرپذیری منطقه‌ای و جهانی در ایران بسیار شدید است. به هر حال حضور اتباع بیگانه دارای پیامدهای حقوقی که ما با سه دسته از آن‌ها مواجه ایم.

الف) پناهندگان سیاسی: یعنی آن دسته که دارای دفترچه پناهندگی اند.





ب) آوارگان و اتباع بیگانه غیر قانونی یعنی آن عده که فاقد روادید در بدو ورود به ایران هستند و دارای کارت شناسایی و یا مدارکی از این قبیل دارند.

ج) افراد مقیم، یعنی افرادی که با روادید وارد ایران شده‌اند و اقامت دارند هر یک از وضعیت‌های فوق اندکی دارای حقوق و وضعیت‌های خاص خودشان هستند. که اگر در داخل کشور متبوع خویش باشند مسایل حقوقی خاص خود را دارند و اگر در خارج از کشور خویش باشند قواعد بین‌المللی خصوصی، قواعد داخلی و رفتار متقابل دو کشور بر رفتار و مسایل حقوقی آن‌ها حاکم می‌باشد، مسایل حقوقی همچون نکاح، طلاق، نسب و... اینگونه مسایل و مشکلات با شروع بازگشت اتباع کشورهای همسایه به وضوح خود را نشان می‌دهد مسایلی از قبیل:

- ۱- ازدواج‌های بین مردان و زنان کشورهای مهاجرپذیر و بالعکس.
- ۲- اموال و دارایی‌های اتباع کشورهای مهاجرفرست در کشور مهاجرپذیر.
- ۳- تعیین تکلیف وضعیت و احوال فرزندان متولد شده مهاجران در کشور مهاجرپذیر که می‌تواند حتی به یک مسأله اجتماعی و بغرنج تبدیل شود مثلاً عدم ثبت ازدواج غیرقانونی و ثبت نشده مهاجرین با کشور مهاجر پذیر و که این خود به لحاظ قوانین اکثر کشورها جرم می‌باشد یا دیگر مسائل که بار مسائل حقوقی در رابطه ازدواج و تابعیت در هر کشور می‌تواند متفاوت باشد و آثار و پیامدهای منفی به جا می‌گزارد (هدایت، ۱۳۶۹: ۲۶).

از جمله در اکثر کشورها با ازدواج زنان تابعیت وی نیز به کشور همسر خویش منتقل می‌شود و در این صورت تابعیت اطفال ناشی از سبب پدری یا مادری متفاوت است. که محدودیت‌های فراوانی را به بار می‌آورد. مثلاً پیامدهای تابعیت زن ایرانی در صورت ازدواج با مرد افغانی به دلیل متعارض نبودن قانون مدنی ایران و افغانستان - که طبق ماده ۹۸۷ ق. م هر زن ایرانی که با تبعه خارجی ازدواج کند در تابعیت ایرانی خود باقی خواهد ماند مگر این‌که مطابق قانون کشور زوج، تابعیت شوهر به واسطه عقد ازدواج به زوجه تحمیل شود و قانون کشور افغانستان نیز از آن جمله کشورهای که تابعیت زوج بر زوجه در صورت ازدواج با زن خارجی تحمیل می‌شود - پیامدهای تابعیت زن ایرانی در صورت ازدواج با یک مهاجر افغانی یا عراقی و دیگر کشورها باعث اختلالات فراوان و موجبات هنجار شکنی می‌گردد که برخی از این محدودیت‌ها بدین شرحند:

- ۱- محدودیت در تملک: طبق تبصره ۲م ۹۸۷ ق.م زن ایرانی که بر اثر ازدواج تابعیت خارجی را تحصیل کند حق داشتن اموال غیرمتنول را در صورتی که موجب سلطه



اقتصادی خارجی گردد ندارد. یعنی اگر مال غیر منقول به صورت قهری وارد اموال وی شود حتی مال غیر متملك مشکلاتی برایش بوجود می‌آید.

۲- محرومیت از حقوق سیاسی، که مختص ایرانیان می‌باشد از آن محروم خواهد شد مانند شرکت در انتخابات، مناصب سیاسی، قضایی.

۳- تبعیت در احوال شخصی از کشور متبوع در صورت مراوجت با بیگانه اموال شخصی زن، دیگر تابع قانون ملی ایران نخواهد بود (طبق مقررات و قوانین کشور افغانستان، زنان ایرانی که به عقد نکاح رسمی اتباع افغانستان در می‌آیند تبعیت خود را از دست می‌دهند).

۴- احتمال تبعیت مضاعف اگر قانون کشور زوج تبعیت شوهر را به زن تحمیل نکند و زن ایرانی تبعیت خود را محفوظ دارد و زن از طرف اقامتگاه یا سیستم و خاک تبعیت زوج را تحصیل نماید زن شوهردار می‌تواند دارای تبعیت مضاعف باشد.

۵- وضعیت خیلی سخت‌تر می‌شود در جایی که قانون مدنی کشور افغانستان اشاره دارد تبعیت افغانی به آن دسته از زنان خارجی که با مردان افغانی ازدواج کرده‌اند اعطاء می‌شود که به صورت قانونی ثبت شده باشد و گرنه تبعیت تعلق نخواهد گرفت و اگر دولت ایران نیز این‌گونه ازدواج‌های غیرقانونی اعلام کند کشور افغانستان نیز آن‌را غیرقانونی اعلام خواهد کرد و از ورود این‌گونه افراد به آن کشور مخالفت خواهد شد.

۶- عدم تبعیت فرزندان حاصل از این‌گونه ازدواج‌ها: بسیاری از اطفال این‌گونه ازدواج‌ها تا قبل از ۱۸ سالگی وضعیت تبعیت آنان مبهم است و بعداً در صورتی که پس از ۱۸ سالگی نیز قانونی خواهد بود که ازدواج پدر و مادرشان به صورت قانونی انجام شده و در دفاتر رسمی ثبت شده باشد و نشان دهنده پیامدهای منفی چنین ازدواج‌هایی است در حالی که در زمان حاضر سی هزار ازدواج با ده‌ها هزار کودک برجای مانده از چنین ازدواج‌های غیرقانونی مشکلات اجتماعی، سیاسی، حقوقی بر پیکر جامعه ایران وارد کرده است که باید با خلأ قانونی که وجود دارد و با برنامه ریزی زمینه این‌گونه ازدواج‌ها کاهش داد (بداغی، ۱۳۸۳: ۱۳).

با تلاش‌های انجام شده ظرف ده سال اخیر حدود ۵ میلیون تبعه غیر مجاز به افغانستان طرد شدند، در سال ۹۳ نیز حدود ۶۰۰ هزار نفر به مرزها ارجاع شدند ولی متأسفانه به دلایل مختلف آن‌ها باز به کشور برگشتند. همچنین با اقدامات مناسب در مرزهای خراسان رضوی، خراسان جنوبی و در حوزه شمالی سیستان تردد اتباع به حداقل رسیده اما متأسفانه آن‌ها از طریق پاکستان به کشور قاچاق می‌شوند. همچنین با تشکیل ۲۲





اردوگاه این اتباع روزانه جمع آوری و به مرزها ارجاع می‌شوند. همچنین اخیراً در شورای عالی امنیت ملی آئین نامه‌ای را به تصویب رسیده است تا امر اتباع غیر مجاز ساماندهی شود هم اکنون نیز ۲۲ مرکز نگهداری و اردوگاه وجود داشته و ۱۹ استان نیز دارای ممنوعیت ورود برای اتباع هستند. بررسی‌ها نشان می‌دهد که حجم تخلفات افغان‌ها در ایران آن چنان نیست و نیروی انتظامی و دستگاه‌های مربوطه نیز با نظارت دائمی با تخلفات به شدت برخورد می‌کنند از طرفی دیگر براساس آمارها حدود ۳۵۰ هزار دانش‌آموز، ۱۱ هزار دانشجو و ۱۷ هزار فارغ‌التحصیل افغانی در کشور وجود دارد و همچنین بخشی از بازار اشتغال کشور در حوزه کارگری را افغان‌ها اداره می‌کنند.

از نخستین دوره‌ی ورود مهاجران افغان به ایران بیش از سی سال می‌گذرد اولین مهاجرت، طبق اسناد و مدارک در سال ۱۳۰۳ بوده است. اما ورود دسته جمعی افغان‌ها به ایران به طور رسمی از سال ۱۹۷۹ (۱۳۶۱) بعد از اشغال این کشور توسط شوروی صورت گرفت و امروزه بیش از دو میلیون پناهنده‌ی افغانی در ایران زندگی می‌کنند که بسیاری از آن‌ها در اغلب نقاط کشور پراکنده‌اند. اغلب پناهندگان از اقوام تاجیک، ازبک و نواره‌اند که درصد بسیار کمی از آن‌ها در اردوگاه‌ها جای گرفته‌اند و بیشتر جمعیت پناهنده در اکثر شهرها و شهرستان‌های ایران پراکنده شده‌اند. در استان کرمان طی آخرین آمار حدود ۲۰۰ هزار پناهنده‌ی افغانی که بیشتر آنان در کرمان، رفسنجان، جیرفت، کهنوج، بم، سیرجان و بردسیر سکنی گزیده‌اند، در اردوگاه‌های بردسیر و رفسنجان و کرمان اسکان داده شدند.

بعد از آغاز جنگ ایران و عراق، دولت ایران رسماً از کمیساریای عالی پناهندگان درخواست کمک نمود. اما کمیساریا یک سال و نیم بعد، طی تنظیم آیین نامه‌ای داخلی کمک‌های خود را به ایران جهت حمایت از پناهندگان آغاز نمود. تنها کمکی که به ایران شد، طی ۲۰ سال، (از ۱۹۷۹ تا ۱۹۹۷) تنها ۱۶۰ میلیون دلار بوده است. در حالی که به پاکستان طی همین سال‌ها، یک میلیارد دلار، کمک شده بود (صفری، ۱۳۸۰: ۶۶).

در میان اردوگاه‌های فعال در ایران ۱۳۰ اردوگاه مختص عرب‌ها و کردهای عراقی است و فقط ۱۷ اردوگاه به پناهندگان افغان اختصاص داده شده است. بر اساس آمار رسمی، در حال حاضر، یک میلیون و چهارصد و هشتاد هزار نفر پناهنده‌ی افغانی در ایران دارای مدرک اقامت‌اند و به نظر می‌رسد حدود پانصد هزار تن از آنان فاقد مدرکند. بیشتر جمعیت مهاجران افغان در شهرهای بزرگ ایران در محل‌های خاص متمرکز شده‌اند محله‌های معروفی در حومه‌ی شهرهای کرمان، مشهد، اصفهان، اراک، شیراز و تهران.





این گروه از مهاجران عمدتاً به فعالیت‌های ساختمانی (کارگری) و همچنین باربری و بارفروشی و دستفروشی مشغولند و در ساختمان‌های نیمه تمام یا محله‌های متراکم و زاغه‌نشین، مستقر شده‌اند. علاوه بر مشکلات کنترل مرزی ورود افغانه به صورت غیر مجاز، عامل دیگر یست که حداقل تمامی مهاجران افغان ساکن در ایران، تا سال ۱۳۶۷ حاضر به معرض خود به استناداری‌ها و فرمانداری‌ها نشدند.

به دلیل پهناور بودن طول این مرزها و خصوصیات جغرافیایی آن معمولاً کنترل مرز بسیار سخت و دشوار است بنابراین مهاجران به راحتی می‌توانند به ایران وارد و یا از آن خارج شوند. این مسأله امنیت مرزهای شرقی را به خطر انداخته است. قاچاق افغان‌ها در طول این سال‌ها تبدیل به تجارت بسیار پرسودی شده است. در کنار ناامنی مرزها، بروز درگیری‌های قومی و قبیله‌ای و تسویه حساب‌هایی که منجر به خونریزی و ضرب و جرح طرفین می‌شود، از دیگر مسائلی است که در مناطق مرزی به وجود می‌آید و عموماً دامنه این اختلافات به درگیری‌ها و منازعات آن سوی مرز خلاصه می‌شود. اقداماتی نظیر قاچاق مواد مخدر، شرارت و ناامنی، آدم ربایی، قتل، تجاوز به نوامیس و تشکیل باندهای فساد و فحشاء، جعل اسناد و اوراق بهادار دولتی که گاه توسط گروه‌هایی از اتباع خارجی با انگیزه‌ی مخدوش کردن چهره‌ی مهاجرین واقعی انجام می‌شود که به دلیل هضم این افراد در جامعه‌ی مهاجرین، تفکیک و شناسایی آن‌ها توسط نیروهای امنیتی، بسیار دشوار و در پاره‌ای غیر ممکن است. طبق آمار ارائه شده‌ی استناداری کرمان در سال ۱۳۹۱ از هر خانوار پنج نفری کولی‌های مهاجر افغان، دو نفر از آنان به دلیل بزه‌کاری در زندان به سر می‌برند و طی آمار اسفند ماه ۱۳۹۳ از اداره کل زندان‌های استان کرمان از هر خانوار ۵ نفری مهاجر افغانی در کرمان یک نفر از آنان در زندان بسر می‌برند. در واقع عدم محبوبیت برخی از مهاجران مانند افغانی‌ها، ندانستن زبان جامعه‌ی جدید یا نداشتن زمینه‌های لازم برای تطبیق با جامعه‌ی ایران و... موجب اقدام به جنایت یا اشکال دیگر رفتارهای ضد اجتماعی توسط مهاجران می‌شود. همچنین کمبود مسکن مناسب برای مهاجران موجب رشد نواحی غیر استنادارد نظیر حلبی آبادها و... شده که خود منشأ بسیاری از بیماری‌های اجتماعی، روانی و جسمانی گردیده است.

در زندان مرکزی کرمان نیز طی آخرین آمار اخذ شده از اداره کل زندان‌های استان کرمان، در اسفند ماه ۹۳، کل زندانیان افغانه که در حال حاضر محکومیت قطعی یا دوران بازداشت موقت را می‌گذرانند و به علت جرایم مالی در زندان محبوس هستند، نهصد و بیست نفر افغانی می‌باشد که در این ندامتگاه‌های استان محبوس‌اند که از این تعداد،





۸۶۰ نفر مرد و ۶۰ نفر زن هستند. از لحاظ نوع جرایم ارتكابی، ۷۵۰ نفر از آنان به جرایم مواد مخدر آلوده بودند که از جمله این جرایم، (حمل، نگهداری، وارد کردن، خرید و فروش و اعتیاد به مواد مخدر) می‌باشد که معمولاً حالت تعدد دو جرم یا حتی سه جرم صدرالذکر با هم نیز بوده‌اند که حدود ۸۹/۱۹ درصد زندانیان را شامل می‌شود. ۹۰ نفر از زندانیان، به علت ورود غیر مجاز به کشور محبوس بودند که ۹/۷ درصد محبوسین را مشمول می‌شود. در این میان، ۶۶ نفر بزه‌کار سارق که ۷/۱۷ بزه‌کاران است و نکته جالب، ۱۴ نفر به علت ارتكاب قتل عمد در بازداشت هستند که ۱،۵۲ درصد محبوسین بزه‌کار را شامل می‌شد که یا در انتظار قطعیت حکم یا قصاص و یا در بازداشت موقت به سر می‌برند. از این بین، جرایمی چون تخریب، جعل، شرارت، نزاع دسته جمعی، عمل منافی عفت غیر زنا، زنا، لواط، شرب خمر، قمار بازی، محکومیت در اثر محکومیت‌های مالی چون دیه، کلاهبرداری، قتل غیر عمد، شروع به قتل، عضویت در دسته جات غیر قانونی و فعالیت تبلیغی علیه نظام یا به نفع گروه‌های مخالف از جمله‌ی جرایم آنان است.

با اجرایی شدن طرح منطقه ممنوعه شدن استان‌هایی مانند سیستان و بلوچستان که از سوی دولت ابلاغ گردیده است عده زیادی از اتباع بیگانه جهت ادامه اقامت خود در استان‌هایی مانند کرمان که هم مرز استان سیستان و بلوچستان می‌باشند اقدام به جعل اسناد و مدارک هویتی نموده‌اند و از طرفی با آغاز طرح هدفمند کردن یارانه‌ها و نیاز به داشتن مدارک هویتی ایرانی عده‌ای از اتباع بیگانه روی به جعل این اسناد و مدارک آورده‌اند. لذا این موضوع در سال‌های اخیر برای استان کرمان تبدیل به یک مشکل و معضل اساسی در بسیاری از موضوعات امنیتی و اجتماعی تبدیل شده بود که نیازمند یک اقدام اساسی و سریع از سوی مسئولین امر را می‌طلبد. در این زمینه با توجه به هماهنگی‌های صورت گرفته توسط نیروی انتظامی و اداره ثبت احوال استان طرح شناسایی جدی اسناد و مدارک هویتی جعلی در دستور کار این دو سازمان قرار گرفت که در نتیجه این موضوع در سه سال ۸۹، ۹۰ و ۹۱ شاهد رشد چشمگیر کشف این اسناد هویتی جعلی به خصوص شهرستان جیرفت و مساله جعل بیش از هزار شناسنامه ایرانی برای اتباع بیگانه بودیم به طوری که امار کشف مدارک هویتی جعلی در سال ۹۰ نسبت به سال ۸۹ دو برابر و در سال ۹۱ نیز نسبت به سال ۹۰ نیز مجدداً دو برابر افزایش داشته است (مصاحبه با مسئولین ارشد انتظامی استان).

در بین زندانیان افغانه، ۷۸ نفر زندانی نوجوان زیر ۱۸ سال در کانون اصلاح و تربیت کرمان به سر می‌برند که ۶۹ نفر از آنان، پسر و ۹ نفر دختر می‌باشند. جالب اینجاست





که ۷۰ درصد آنان به جرایم قاچاق مواد مخدر از جمله: حمل، خرید و فروش، توزیع و اعتیاد به مواد مخدر در کانون به سر می‌برند و ۱۶ درصد به جرایم سرقت و شکل‌های متنوع سرقت از جمله: کیف قاپی و سرقت از منازل و خودرو را شامل می‌شد و ۲ درصد مرتکب جرایم منافی عفت، لواط و زنا و... یک نفر از آنان به ارتکاب قتل و ۱۲ درصد به ارتکاب سایر جرایم در کانون اصلاح به سر می‌برند.

زنان افغانه در کرمان بیشتر به جرایم مواد مخدر و قاچاق آن را مرتکب می‌شوند. آمار اسفند ۹۳ که شصت نفر زن داخل زندان مرکزی کرمان، ۴۶ نفر از آنان به جرایم قاچاق زندانی شده‌اند، این نسبت را به درستی نشان می‌دهد. از بازرسی که داخل یک سواری به مقصد بم - کرمان کشف شده در بازرسی بدنی یک مسافر افغانی زن ۴۷۰ گرم کریستال کشف گردید متهم که مواد مخدر را بصورت معده‌ای حمل می‌نمود دستگیر شده و در حال حاضر داخل زندان مرکزی کرمان بسر می‌برد و از داخل خودرو ۵ کیلوتریاک را نیز کشف کرده بودند اما علت بزه‌کاری زنان افغانه متعددتر است.

در بررسی‌های صورت از اداره کل اتباع خارجه وزارت کشور در سال ۹۳ تعداد ۲/۳۵۵/۴۲۶ نفر اتباع افغانی، تعداد ۲۰۲/۸۷۸ نفر اتباع عراقی و ۱۳/۵۵۲ نفر سایر کشورهای ایران اقامت دارند. که البته آمار غیر مجازین در پراوردها همیشه بیشتر از مجازین بوده است. لازم به ذکر است در ۳۵ سال گذشته حدود چهل میلیون تبعه افغانی، تقریباً دوبرابر جمعیت افغانستان از کشور طرد شده‌اند که نشانگر کاستی‌های فراوان و عدم موفقیت در ساماندهی اتباع خارجی خصوصاً اتباع افغانی بوده است، صرف حضور ۲۵ درصد اتباع مجاز برای اشتغال است، اما صرف حضور ۹۵ درصد اتباع غیر مجاز برای اشتغال می‌باشد. به طور خوش بینانه می‌توان گفت حدود یک میلیون سیصد هزار فرصت شغلی توسط اتباع خارجی اشغال گردیده در صورتی در کشورمان دو میلیون فرصت شغلی کم داریم.

تحمل هزینه گزاف بر دولت جمهوری اسلامی ایران برای ایجاد هر شغلی حداقل ۳۰ میلیون ریال برآورد می‌شود که حداقل ۱/۳ میلیون فرصت شغلی توسط اتباع بیگانه غیر مجاز اشغال شده است بر اساس آمار وزارت کار و رفاه اجتماعی.

پیشینه تحقیق

- کتاب مواد قانونی در خصوص برخورد با ورود غیر قانونی اتباع خارجی (صفری، ۱۳۸۰). قانون مجازات اتباع خارجه که بدون تذکره و با گذرنامه غیر مترتب وارد خاک





ایران شوند «مصوبه ۱۱ و ۱۹ تیر ماه ۱۳۹۲» ماده واحده: هر تبعه خارجی که بدون گذرنامه و یا با گذرنامه که مطابق نظامنامه مرتب نشده وارد خاک جمهوری اسلامی ایران بشود به هشت روز الی سه ماه حبس تأدیبی یا بتادیه شش میلیون الی پنجاه میلیون ریال جزای نقدی محکوم می‌گردد. در هر حال دولت حق دارد مرتکب را بدون محاکمه از خاک ایران اخراج نماید، مقررات این ماده از اجرای مقررات یا استعمال گذرنامه مجهول مانع نیست. راجع به ورود (ورود غیر قانونی) اتباع خارجی به ایران: هیئت وزرا در جلسه بیستم فروردین ۱۳۸۶ تصویب نامه نمره ۷۸۶۲ مورخ ۸ اسفند ماه ۱۳۸۷ را به ترتیب زیر اصلاح نمود و مقرر می‌دارد:

- کلیه مسافران اتباع خارجه که وارد خاک جمهوری اسلامی ایران می‌شوند در موقع ورود باید دارای گذرنامه‌های ویزا شده از طرف مأمورین ایران باشند.

- ورود اتباع خارجه که گذرنامه عبور منظم ندارند به هر عنوانی ممنوع بوده و مأموران مرزی و نظمی مکلف می‌باشند از ورود آن‌ها جلوگیری کنند.

- در صورتی که اتباع خارجه بر خلاف مقررات مذکور به طور قاچاق وارد خاک جمهوری اسلامی ایران شوند مأمورین دولتی باید فوراً آن‌ها را به مراکز معرفی شده برسانند.

لایحه قانونی تشدید مجازات بزه عبور از مرز مورخ ۱۳۹۲/۸/۲۸: ماده (۱) هر کس بدون گذرنامه یا اجاره نامه (پروانه) به کشور وارد و یا از مرز خارج شود مجرم محسوب

می‌شود و به حبس تأدیبی از سه ماه تا یک سال محکوم خواهد شد، همین حکم جاری است نسبت به کسانی که شروع به اعمال مزبور نمایند. ماده (۲) هر گاه معلوم شود ورود

به کشور یا خروج از آن و یا شروع به اعمال مزبور بر اثر تحریک و یا اغفال دیگری بوده است محرک و اغفال کننده نیز مشمول مجازات مقرر در ماده اول می‌باشد. ماده (۳)

وزارت دادگستری و کشور و دفاع ملی مأمور اجرای این لایحه قانونی می‌باشند بر طبق اعطای اختیارات مصوب بیستم مرداد ماه ۱۳۹۲ لایحه قانونی تشدید مجازات بزه عبور

از مرز مشتمل بر سه ماده تصویب می‌شود. اصل ۴۱ قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران «تابعیت کشور ایران حق مسلم هر فرد ایرانی است و دولت نمی‌تواند از هیچ ایرانی

سلب تابعیت کند، مگر به در خواست خود او یا در صورتی که به تابعیت کشور دیگری در آید» اصل ۴۲ قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران «اتباع خارجه می‌توانند در حدود

قوانین به تابعیت ایران در آیند و سلب تابعیت این گونه اشخاص در صورتی ممکن است که دولت دیگری تابعیت آن‌ها را بپذیرد یا خود آن‌ها در خواست کنند» اصل ۱۴۵

قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران «هیچ فرد خارجی به عضویت در ارتش و نیروهای





انتظامی کشور پذیرفته نمی‌شود» اصل ۱۵۵ قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران «دولت جمهوری اسلامی ایران به کسانی که پناهندگی سیاسی بخواهند پناه دهد مگر بر طبق قوانین ایران خائن و تبهکار شناخته شود.

- مقاله‌ی تبعات ورود و اقامت غیر مجاز اتباع بیگانه (توسلی نائینی، ۱۳۸۴). سرقت، تجاوز، انتقال بیماری‌ها، قتل، ازدواج‌های غیرقانونی با اتباع ایرانی و در نتیجه ظهور پدیده کودکان بدون شناسنامه، همه و همه گزاره‌ای چند وجهی را تشکیل می‌دهند که اگر قرار باشد تساهل و تسامح را کنار بگذاریم از جمله پیامدهای حضور غیرقانونی میهمانان ناخوانده‌ای به نام اتباع بیگانه در کشور است. بحث اتباع خارجی و مسئولیت مدنی و وظایفی که این افراد باید در کشورمان برعهده بگیرند، بحثی دیرینه‌ای است که هرچند وقت یکبار به دلیل بزه‌ها و جرائمی که این افراد مرتکب می‌شوند، دوباره در جامعه مطرح و توجه بیشتر مسئولان را می‌طلبد. کسی که تبعیت رسمی یک کشور را ندارد، حقوق و تکالیف اتباع آن کشور را رعایت نمی‌کند و این گونه افراد به صورت معمول تنها به دنبال منافع شخصی و کوتاه مدت خود بوده و بسیاری از مواقع بعد از اینکه مرتکب جرم یا بزه می‌شوند خیلی راحت اقدام به خروج از کشور کرده و در مقابل فردی که از عمل آن‌ها آسیب و زیان دیده، نمی‌تواند حق خود را مورد پیگیری قرار دهد. در تشریح پیامدهای منفی نظیر انتقال بیماری‌های واگیردار و ارتکاب جرائمی نظیر قتل، تجاوز و دزدی و ازدواج‌های غیرقانونی از سوی برخی اتباع بیگانه در کشورمان، باید اذعان داشت که بحث کودکان بدون شناسنامه از مهم‌ترین مسائلی است که حضور این اتباع و ازدواج‌های غیرقانونی آن‌ها با ایرانی‌ها در جامعه ایرانی به وجود آورده است.

مبانی نظری

نظریات و دیدگاه‌های گسترده‌ای در رابطه با مهاجرت وجود دارد. مهم‌ترین نظریات معروف در مورد مهاجرت به شرح زیر است:

۱- نظریه کارکردگرایی مهاجرت: این نظریه بر تبیین و دلایل و پیامدهای مهاجرت استوار است. این نظریه در خصوص دلایل مهاجرت اعتقاد دارد که در هر نظام بدون وجود پوشش‌های انسانی تعادل بر هم می‌خورد. مهاجرت عنصری الزامی جهت برقراری تعادل مجدد در جامعه است، از این جهت مهاجرت از یک طرف به مکانیزم تطابق شخص با تغییرات ایجاد شده بدل می‌گردد و از طرف دیگر، تعادل از دست رفته را به جامعه بر می‌گرداند. آن‌ها بعد از تبیین علل مهاجرت و اعتقاد به کارکرد





مثبت برای آن، به آثار مهاجرت بر ساخت مبدا، مقصد و وضعیت شخص مهاجر می‌پردازند. به اعتقاد این گروه، ساخت جامعه مقصد مهاجر را از ابتدا در خود جذب و سپس با خود همانند می‌گرداند. مهاجر بعد از همانند شدن به یگانگی با آن دست می‌یابد. بنابر اعتقاد کارکردگرایان، نظام مقصد، نهایتاً مهاجر و نسلهای پا گرفته از آن را مانند اعضای دایمی خود با خصایص اقتصادی اجتماعی می‌پذیرند. به طور کلی، آن‌ها مهاجرت را عاملی مطمئن برای جلوگیری از آسیبهای اجتماعی ناشی از عدم تعادل در جامعه می‌دانند (توسلی نائینی، ۱۳۸۴: ۲۹).

۲- نظریه وابستگی مهاجرت: پیروان نظریه وابستگی اعتقاد دارند مهاجرت معلول توسعه نابرابر است. از نظر معتقدان به این رویکرد، مهاجرت نه تنها شکل دهنده وابستگی کشورهای جهان سوم است، بلکه خود باعث تقویت وابستگی این کشورها نیز می‌شود. مهاجرت از طرفی عامل تقویت توسعه نیافتگی منطقه مهاجر فرست است و از طرف دیگر، عامل ایجاد و تشدید نارضایتیهای منطقه مهاجرپذیر است، زیرا با خروج مهاجران از منطقه، نیروی کار کاهش می‌یابد و برای آن ره حلی نیست، مگر اینکه تغییرات ریشه‌ای در ساخت کشورهای جهان سوم و ارتباط آن‌ها با کشورهای توسعه یافته غرب اتفاق افتد (همان، ۳۲).

۳- نظریه سیستمی مهاجرت: در تلاش برای طرح نگرش جامع به مساله مهاجرت‌های بین‌المللی کرتیز ۳ و همکارانش به تلفیق و تکمیل دیدگاههای مختلف پرداخته و بر پویایی جریانهای مهاجرتی تاکید کرده‌اند. به نظر آن‌ها مهاجرت‌های بین‌المللی که بین سرزمین‌های مبدا و مقصد مهاجرتی جریان می‌یابند، به طور تنگاتنگی با سایر حلقه‌هایی که در هم تنیده شده، سیستمی را به وجود می‌آورند، مهاجرت را شکل داده، به جریانی پویا و بالنده تبدیل می‌کنند، از نظر آنان ارتباط تاریخی، فرهنگی، سیاسی و اقتصادی نه به شکلی تنها و جدا از هم بر مهاجرت تأثیر می‌گذارند، بلکه به عنوان مجموعه‌ای تفکیک ناپذیر، بستر لازم را برای مبادلات مهاجرتی فراهم کرده آن را تداوم می‌بخشد (همان، ۳۴).

۴- نظریه جذب و دفع: نظریه جذب و دفع که بر اساس کار هر بل ۲ در اوایل دهه ۱۹۳۰ شکل گرفت، مهاجرت را ناشی از دو عامل می‌داند: الف) نیروی دافعه ۳؛ عواملی که سبب می‌شود فرد مکان زندگی خود را ترک کند امکانات؛ بیشتر آموزشی، اشتغال و درآمد؛ ب) نیروی جاذبه ۴ عواملی که سبب می‌شوند فرد به سوی مکان دیگر جذب شود. مقابل هزینه‌های بالای زندگی در محل جدید، دوری از خانه و



کاشانه و آلودگی محیط (همان: ۳۵).

روش شناسی تحقیق

روش تحقیق در این پژوهش توصیفی - تحلیلی می‌باشد. در این تحقیق از روش جمع آوری اطلاعات کتابخانه‌ای استفاده می‌شود. بدین ترتیب که با مراجعه به مراجع، کتب مربوطه، کتابخانه‌ها، اینترنت و... اطلاعات مورد نظر جمع آوری خواهد شد. جهت گردآوری اطلاعات در این تحقیق از ابزار فیش، مصاحبه با مأمورین امنیتی نیروی انتظامی سطح استان و مطالعه‌ی پرونده‌های بزه‌کاری اتباع بیگانه استفاده شده است.

نتیجه گیری نهایی

در جمع بندی آسیب‌های اتباع بیگانه هم می‌تواند تبعات مثبت و منفی داشته باشند. آسیب‌های اتباع خارج که می‌تواند مسیر حرکت کشور را تغییر دهد و در جهت اهداف خاص هدایت نماید. هرچند که هر کشوری در راستا کنترل اتباع خارجی اقداماتی انجام داده چه بسا عملکرد کشورهای اروپایی در این زمینه بهترین نمونه است. بنابراین به صورت کلی تبعات و آسیب‌های حضور اتباع بیگانه را در جمهوری اسلامی ایران در رابطه با مسائل اجتماعی که تأثیر گذار بر جنبه‌های مختلف سیاسی، اقتصادی، اجتماعی، مذهبی، و غیره داشته باشد.

حضور اتباع بیگانه در جمهوری اسلامی ایران به عنوان یکی از عوامل موثر در ایجاد بی‌نظمی که تأثیر جدی و تبعات منفی بر مؤلفه‌های امنیت ملی دارد.

- ایجاد فرصت‌های شغلی اتباع ایرانی به واسطه اشتغال به کار غیر قانونی اتباع بیگانه و روی آوری اتباع ایران به مشاغل کاذب، که ضربات مهلکی بر اقتصاد وارد می‌آورد.

- تحمل هزینه گزاف بر دولت جمهوری اسلامی ایران برای ایجاد هر شغلی حداقل ۳۰ میلیون ریال برآورد می‌شود که حداقل ۱/۳ میلیون فرصت شغلی توسط اتباع بیگانه غیر مجاز اشغال شده است بر اساس آمار وزارت کار و رفاه اجتماعی.

- خروج سرمایه از کشور در قبال اشتغال غیر قانونی، بدون پرداخت هیچ گونه مالیات که سالیانه مبلغ ۱/۲ میلیارد دلار حقوق اتباع غیر مجازی باشد که این مبلغ فشار زیادی بر اقتصاد کشور وارد می‌نماید.

- استفاده انبوه اتباع خارجی از یارانه دولتی در بخش سوخت، نان، خدمات شهری، مخابرات سایر کالاها.





- ورود و خروج کالاهای لوکس لطمات جدی به اقتصاد وارد می نماید.
- قاچاق ارز در سطح وسیع از طریق غیر قانونی و منافذ مرزی سراسر کشور.
- تغییر بافت جمعیت از نظر قومی، مذهبی در بعضی از مناطق مرزی سیستان و بلوچستان، زابل، خوزستان، کردستان تغییر یافته و مناطق مسکونی متمرکزی از اتباع خارجی در قلب شهرهایی همچون مشهد اهواز تهران کرمان اصفهان و... که بطور موثر بیگانگان از هم حمایت نموده و هرگونه خلاف کاری در این محل ها صورت می گیرد.
- تقویت قوم گرایی در مناطق مرزی از جمله در آذربایجان کردستان سیستان و بلوچستان با تقویت قوم بلوچ سنی، خوزستان قوم عرب و... که امکان بهره مندی بیگانگان در این راستا وجود دارد.
- شیوع بیماری های واگیر و ناشناخته به واسطه حضور بی رویه و خارج از سیکل قرنطینه بهداشتی، هزینه های بهداشتی فراوان با برآورد میلیاردها ریال.
- انجام ازدواج های غیر قانونی با اتباع ایرانی که اکثرا نافرجام و علت اصلی آن غیرقانونی است هیچ گونه پشتوانه قانونی در حمایت از این گونه ازدواج ها وجود ندارد در حال حاضر تعداد زیادی زن ایرانی که نتوانسته اند که با شوهر خارجی ادامه زندگی بدهند بدون هیچ گونه آینده مشخصی در جامعه رها شده اند که به نحوی بدون هویت می باشند و ده ها هزار مورد در این سو و آن سوی مرزهای ایران و افغانستان سر می برند.
- بوجود آوردن فرزندان بی هویت در پی ازدواج های غیر قانونی مختلط با اتباع بیگانه
- رها شدن زن ایرانی بوسیله شوهر بیگانه بدون اینکه تکلیف زن ایرانی معلوم شده باشد بدلیل اینکه فرد بیگانه بعد از مدتی از ازدواج به راحتی زن ایرانی خود را رها کرده و از کشور خارج می گردد. در حال حاضر ورود و خروج غیر قانونی در کشور براحتی صورت می پذیرد.
- خرید و فروش مواد مخدر و کالاهای ممنوعه در سطح کشور
- شرارت و مشارکت در باندهای توزیع مسلحانه و اقدامات غیر قانونی در کشور
- سرقت مسلحانه
- جعل اسناد دولتی و سایر اوقات بهادار
- قتل عمد با انگیزه های مختلف
- قاچاق اسلحه و مهمات و بمب گذاری در سطح کشور
- همکاری و هماهنگی با گروه های تروریستی و گروه های معاند اهل سنت در جمهوری اسلامی ایران وابسته به کشورهای بیگانه



- ایجاد گروه‌های سیاسی نهضتی معاند با نظام جمهوری اسلامی در خارج از کشور
- هم‌نوایی و همکاری با جریان‌های منحرف و مخالف جمهوری اسلامی ایران در سطح خارج از کشور
- همکاری موثر با بیگانگان در خروج غیر قانونی اتباع ایران از کشور
- اختلال در نظم عمومی از طریق ایجاد تجمعات راهپیمایی غیر قانونی و برهم زدن نظم عمومی جامعه.

منابع

- ابن قیم جوزیه. (۱۹۸۳)؛ احکام اهل الذمه، چاپ صبحی صالح، بیروت.
- بداعی، فاطمه. (۱۳۸۳)؛ ازدواج و تابعیت زن ایران، نشریه کتاب زنان، سال ششم شماره ۲۴، تابستان.
- ترابی یوسف، گودرزی آیت. (۱۳۸۴)؛ کالبد شکافی رهیافت (محرومیت نسبی) در پیدایش عصیان و شورش‌های اجتماعی، فصل‌نامه دانش انتظامی، زمستان.
- توسلی نائینی، منوچهر، (۱۳۸۴)؛ تبعات ورود و اقامت غیرمجاز اتباع بیگانه، استاد دانشگاه حقوق شهرکرد.
- جمشیدی غلامرضا، علی بابایی یحیی. (۱۳۹۰)؛ بررسی عوامل مؤثر بر بازگشت مهاجرین افغانی، ص ۷۲.
- حاجی، محمدعلی (۱۳۹۰)؛ آسیب‌شناسی تربیت دینی، دانش‌نامه امام علی علیه السلام، زیر نظر علی اکبر رشاد، ج ۴، ص ۴۳۳.
- رحیمی، رضا. (۱۳۷۷)؛ جامعه‌پذیری فرهنگی، ماهنامه جامعه سالم شماره ۳۹ پاییز.
- صدری، محمد. (۱۳۷۸)؛ مفهوم امنیت، گزیده مقالات سیاسی امنیتی، جلد اول، پژوهشکده مطالعات راهبردی، تابستان.
- صفری، ساره. (۱۳۸۰)؛ کاتب حقوق اتباع بیگانه، پناهندگان بی پناه، مجله اقتصاد ایران، خرداد.
- عبادی، شیرین. (۱۳۷۳)؛ حقوق پناهندگان، نگاهی به مسائل حقوق پناهندگان در ایران، تهران.
- عمید، حسن. (۱۳۹۰)؛ فرهنگ عمید، ج ۱، ص ۴۴، ذیل واژه.
- قره باغیان، مرتضی. (۱۳۷۵)؛ تأثیر برخی از علل مهاجرت نیروی کار در ایران، موسسه تحقیقات اقتصادی دانشگاه تربیت مدرس چاپ اول بهار ۱۳۷۵، ص ۲۳.
- گل محمدی خامنه، علی. (۱۳۸۲)؛ مبانی امور انتظامی (۲) چاپ دوم، اداره کل پشتیبانی آموزش، تهران.
- نجفی توانا، علی. (۱۳۹۱)؛ جرم‌شناسی، ص ۲۲۴.
- معین، محمد. (۱۳۸۹)؛ فرهنگ فارسی، ج ۱، ص ۵۸، ذیل واژه.
- هدایت، محمود. (۱۳۶۹)؛ اثرات مهاجرت‌های خارجی در ایران، دفتر جمعیت و نیروی انسانی سازمان برنامه و بودجه.

